



تربیت

# تربیت چیست؟

بازخوانی تعریف تربیت برای رسیدن به اشتراک مفهومی

● ابراهیم اصلانی، روان‌شناس تربیتی

کلیدواژه‌ها: تربیت، استعداد، تربیت اسلامی

در این قسمت از تربیت‌شناسی، نویسنده به دنبال ایجاد یک چالش فکری جدی و عمیق است. ساده‌انگاری در مفهوم تربیت می‌تواند در عرصه‌های نظر و عمل تبعات ناخوشایند داشته باشد؛ همان‌گونه که چنین نیز بوده است. امیدواریم خواندن این مقاله موجب شود همهٔ پرورش‌کاران و به‌ویژه مدیران مدرسه‌ها، به‌طور جدی در معنا و مفهوم تربیت و کارکردهای آن بیندیشند.

## آسان یا سخت؟

تربیت چیست؟ حتی اگر بگوییم پاسخ این سؤال سخت است، ولی واقعیت‌های عینی نشان می‌دهند که تصور ساده‌انگاره‌ای از آن داریم. بیشتر ما مدعی تربیت هستیم، بدون آنکه تعریف مشخصی از تربیت داشته باشیم! در تربیت غیررسمی و تربیت رسمی باید اذعان کرد، معنای تربیت بسیار مبهم و مخدوش است. یک نشانهٔ آشکار ساده‌انگاری معنای تربیت، تمرکز بر مفهوم «استعداد» است. تعبیر «شکوفاسازی استعدادها» بهانه‌ای برای خیلی‌هاست تا ساده‌ترین معنا از تربیت را ارائه دهند و خیال خود را آسوده کنند!

دوباره می‌پرسم: تربیت چیست؟ اولاً پاسخ اصلاً آسان نیست و ثانیاً نوع پاسخی که می‌دهیم تعیین‌کننده است.

## مرور معنای تربیت

اندیشمندان تربیت در خصوص معنای تربیت بسیار بحث کرده‌اند. از منظر تاریخی هم معنای تربیت در طول چند قرن اخیر، مانند همهٔ مسائل انسانی و فرهنگی، تغییرات شگرفی داشته است. خود ما به نسبت سی‌چهل سال پیش احساس می‌کنیم کارکردها و روش‌های تربیت تغییر کرده‌اند و درک

امروز ما از تربیت به نسبت چند دههٔ پیش متفاوت است؛ حتی اگر به جزئیات و دلایل عمقی آن چندان نیندیشیده باشیم، به‌عنوان نمونه‌ای کوچک و در بازهٔ محدود ۱۰۰ ساله، معنای تربیت را مرور می‌کنیم.

**شکوهی (۱۳۸۵)** اصطلاح تربیت را به تأثیر ارادی بزرگ‌سال بر خردسال، به‌منظور سوق‌دادن او به‌سوی حالت بزرگ‌سالی تعبیر می‌کند (ص ۲۳). اشارهٔ او به تحول معنای تربیت در قرن اخیر روشنی‌بخش است. شکوهی توضیح می‌دهد، کلمهٔ تربیت در حال حاضر در چهار معنا به کار می‌رود: «مؤسسه یا نهاد، عمل یا تأثیر، محتوا و نتیجه یا محصول». وی در تبیین تربیت به معنای عمل می‌گوید، از سال ۱۹۲۱ میلادی به تعریفی از تربیت برمی‌خوریم که فرایند تربیتی را آهنگی تازه می‌بخشد: تربیت عبارت است از تسهیل رشد هر چه کامل‌تر استعدادهاى هر شخص، هم به‌عنوان فرد و هم به‌عنوان عضو جامعه‌ای که با تعاون اداره می‌شود (ص ۲۶). شاید همین چرخش در معنای تربیت موجب شده است که حتی امروز هم خیلی‌ها برای معنای تربیت بر مفهوم استعداد تمرکز می‌کنند.

**شعاری‌نژاد (۱۳۸۸)** در کتاب «فلسفهٔ جدید تربیت» بحث به نسبت مفصلی دربارهٔ معنای تربیت دارد. ابتدا به نظر دکتر

**صناعی** اشاره می‌کند که تربیت را به معنای وسیع «ایجاد تغییرات مطلوب در افراد» می‌داند و می‌گوید: «... زیرا تربیت تنها آموختن خواندن و نوشتن به افراد نیست و تربیت جز راهنمایی افراد برای یافتن راه‌های استفاده از استعداد های گوناگون آن‌ها نیست» (ص ۲۳). شعاری نژاد سپس تعریف خود را ارائه می‌دهد: «تربیت عمل آمادگی فرد برای سازگاری مثبت با محیط است. یعنی تربیت وقتی انجام می‌گیرد که رفتار موجود فرد در نتیجه تجربه و یادگیری تغییر یابد که اگر این تغییر به نفع فرد و جامعه باشد، آن را تربیت سودمند یا تربیت مثبت گویند و در صورتی که فرد را از جامعه دور کند یا سازگاری مطلوب او را با محیط دشوار سازد، یعنی او از زندگی اجتماعی لذت نبرد و جامعه نیز از وجود او استفاده نکند، گوئیم تربیت وی تربیت منفی بوده است» (ص ۲۳۲).

## تعبیر «شکوفاسازی استعدادها» بهنانه‌ای برای خیلی‌هاست تا ساده‌ترین معنا از تربیت را ارائه دهند و خیال خود را آسوده کنند!

● با وجود به‌کاربردن واژگان جامع و گسترده، هدف تربیت در این تعریف جامع و چندبعدی نیست. چرا روی تعریف سند تحول بنیادین بیشتر تمرکز کردم؟ چون قرار بود این سند و به تبع آن تعریف ارائه‌شده از تربیت، مبنای نظام تربیتی کشور قرار گیرد؛ در حالی که چنین نشد. بحث فعلی من سند تحول نیست، بلکه با تعریف تربیت در سند کار دارم. این تعریف در مجامع علمی و تربیتی مورد توجه قرار نگرفت و پذیرفته نشد. حتی معلمان، مدیران و مدرسه‌ها هم نتوانستند با این تعریف ارتباط برقرار کنند و به‌اصطلاح تعریف عمومیت و مقبولیت پیدا نکرد. از طرف دیگر، تعریف سند تحول از تربیت چندان واقع‌گرا نیست و نتوانسته است خود را با نیازهای نسل امروز و تغییرات جهانی سازگار کند.

در این بین، تعریف‌هایی هم داریم که تربیت اسلامی را مبنای قرار می‌دهند. **دکتر خسرو باقری** (۱۳۸۴) می‌گوید: «آنچه را به‌اصطلاح تربیت اسلامی گفته می‌شود می‌توان چنین تعریف کرد: شناخت خدا به‌عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به‌عنوان رب خویش و تن‌دادن به ربوبیت او و تن‌زدن از ربوبیت غیر» (ص ۴۴).

در این قسمت، تعریف آخر را از **دکتر علی اکبر سیف** (۱۴۰۱) می‌آورم: «بنا به تعریف، پرورش (تربیت) به جریان یا فرایندی منظم و مستمر گفته می‌شود که هدف آن هدایت رشد جسمانی و روانی، یا به‌طور کلی هدایت رشد همه‌جانبه شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنج‌های موردپذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفاشدن استعداد های آنان است» (ص ۳۷). در مورد این تعریف زیاد می‌توان بحث کرد، اما فعلاً توجه به این کلیدواژه‌ها کافی است: هدف‌های تربیت، جهت‌های تربیت و فرایند تربیت (که بر مبنای هدایت است).

## تربیت در سند تحول

طبعاً از تعریف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم باید یاد کنیم: «تربیت عبارت است از فرآیند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیبان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد (۱۳۹۱:۱۳۹۰).

باز خوانی چندبارۀ این تعریف نشان می‌دهد:

- تعریف چندلایه و به‌نسبت پیچیده است.
- ای‌دئال‌گراست و معنویت‌گرایی آن با جریان واقعی زندگی فاصله دارد.
- مفاهیم دنبال هم ردیف شده‌اند، بدون آنکه امکان تحقق آن‌ها مدنظر قرار گیرد.

## تمرین

- با مرور تعریف‌های اشاره‌شده:
- تاکنون تا چه اندازه به جزئیات معنای تربیت دقت کرده‌اید؟ آیا لازم می‌دانید در درک خود از معنای تربیت تغییری ایجاد کنید؟
  - به نظر شما کدام تعریف از انسجام و جامعیت بیشتری برخوردار است؟
  - تعریف موردنظر چگونه می‌تواند مبنای اقدامات و فعالیت‌های مدرسه قرار گیرد؟
  - آیا تعریف تربیت را همچنان به شکوفاسازی استعدادها محدود می‌کنید؟ اگر بله یا نه، چرا؟
  - آیا تربیت امروز به اصول جدیدی نیاز دارد؟

## نتیجه‌گیری

هر حوزه‌ای از دانش و هر شغل و حرفه‌ای بر مبنای مفاهیمی مشخص شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد. ما که مدعی تربیت، چه به‌عنوان حوزه‌ای دانشی و چه به‌عنوان یک شغل هستیم، با مفاهیم مشخصی کار داریم که به‌طور حتم اولین آن‌ها خود واژه «تربیت» است. پس باید از خود پرسیم: تربیت چیست؟ و همیشه آمادگی داشته باشیم معنای مدنظر و مقبول را بیان کنیم و اگر لازم شد به تشریح و تحلیل آن بپردازیم. ■

## منابع

۱. باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۹۱.
۳. سیف، علی‌اکبر (۱۴۰۱). روان‌شناسی پرورشی نوین. دوران. چاپ ۲۴. تهران.
۴. شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۵). مبانی و اصول آموزش و پرورش. به‌نشر. ج ۲۷. مشهد.
۵. شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸). فلسفۀ جدید تربیت یا فلسفۀ جدید در آموزش و پرورش. اطلاعات. تهران.